پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۲۲۷ـ۲۰۷ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

عقلانیت تقیه در گفتمان معصومان (ع)

قاسم محسنی‌مری[۱]، سلیمان عباسی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۸/۲۸)

چکیده

تقیه در معنای توان سازگاری و تاب‌آوری زیست‌های ناهمگون (دیگرباشی، دیگراندیشی و دیگرزیستی) است که به جهت دلبستگی آدمی به دین خاص، شیوه زیستی ناهمسویی را با آن در پیش می‌نهد. این مؤلفه از فنون راهبردی انسان در شرایط دشوار است که از عقلانیت و اخلاق فایده انگاری بهره دارد که در برابر جبرهای ناهمسان و گوناگون باوری، سیاسی و اجتماعی روش رواداری را پی می‌گیرد. این شیوه راهبردی برپایه الگوی گفتمانی معصومان(ع) در ساحت‌های گفتاری و رفتاری در حوزه فراگیر فردی و اجتماعی، سبک زیست ویژه برای باورمندان دینی ایجاد می‌کند که بتوانند در بزنگاه‌هایی که ناباوران دینی با بهره جستن از نظام قدرت و به کارگیری خشونت آنان را در تنگناهای ناهمسان قرار دادند دگرزیستی را دنبال کنند. این جستار انگارهٔ تقیه را در متون دینی با خوانش رواداری با سبک زیست میان‌مایگان همبسته دانسته است و تلاش کرد با روش تحلیلی با بهره‌مندی از عقلانیت، اخلاق فایده انگاری و زیست میان‌مایگی انگارهٔ تقیه را در گفتمان معصومان(ع) تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: تقیه، عقلانیت، روایت قرآن کریم، روایت معصومان(ع)، میان‌مایگی

۱. مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)؛ ghmohseni1352@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران؛ abbasi51@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

۱- بیان مسأله

تقیه مؤلفه آگاهانه از واقعیت فرهنگی، اجتماعی وسیاسی می باشد که به عنوان واکنش مومنانه در برابر کنشگری ناشایست نهاد قدرت بـه صـورت مهـار و کنتـرل آن در تـاریخ اندیشه[۱] شیعه نمایان گشت. این مفهوم بسان دیگر انگاره‌ها و مفاهیم در بستر تاریخ اندیشه که به تکون، ثبات و دگرگونی محتوایی از جهت گستره و تنگنای مفهومی ویا بازآفرینی در فضای بومی و فرهنگی ویژه قرار داشته است. بـا مطالعـه متـون تـاریخی و اسـلامی و بـا رویکرد پدیدارشناسی، تقیه به عنوان یک واقعیت تاریخی و اخلاق بقاء در امت اسلام نقش امنیتی اجتماعی، سیاسی و باوری داشته است. این مفهوم پیش از آن که رنگ و بوی دینـی داشته باشد از عقلانیت[۲] و بینش مصلحت‌اندیشانه[۳] برخوردار است اما بـه دلیـل آن کـه در بطن جامعه اسلامی به عنوان یک رخداد و پدیده واقع گشته است، بر ستونهای دینی نشسته و با رخت دینی به عنوان یک اصل مهم دینی به آن نگریسته شد و در پی آن پنداشت‌هـای فرقه ای با نگرش وجود شناختی و معرفت شناختی بر اهتمام یا عدم اهتمام آن تأکید شـد. چنانچه شیعیان باطنی (اسماعیلیان) از مسأله ستر و امام مستور برای پـیش بـرد باورهـای خود استفاده کرده تا سرانجام موفق به تأسیس دولت فاطمیان در جهان اسـلام شـدند و در مقابل خوارج که معتقد شدند که باید به احکام دینی در هر صـورت عمـل کـرد هـر چنـد مستلزم از بین رفتن جان و مال و عرض هم باشد.

اما شیعه به دلیل بافت فکری و باوری و شـیوه رویـارویی آنـان بـه مسـأله امامـت و بهره‌مندی از عنصر ولایت رویکردش به تقیه، گسترده و ژرفا بـوده وآن را بـا سـویه‌هـای پدیدارشناختی تاریخی، معرفتی و باوری نگریسته است و به عنوان یک الگـواره دینـی در

---

1. Doctrin

۲. Rationality/ عقلانیت در این انگاره به معنای استدلال‌گرایی مبتنی بر محاسبه است یا استدلال به سـود آن وجـود دارد. (ملکیان، صص۲۷۴-۲۷۶)

۳. The ethics of utilitarianism/ اخلاق فایده انگاره در پی دستیابی بیشینه خـوبی و خوشـی و کمینـه درد و رنـج آدمی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

حوزه‌های ناهمسان تفسیر، کلام، فقه، اخلاق، تاریخ، جامعه شناختی و سیاست خوانش نمود. شیعیان با دیدگاه خاص به جایگاه امامان معصوم(ع) در نیابت از پیامبر(ص) به ویژه در بیان احکام و نگهداشت از معتقدات (نکـ : کلینی،۱۶۴/۱) در رویدادهای ناهمسان از مؤلفه تقیه به عنوان راهبرد فرد مسلمان در رویارویی با رخدادهای آفت‌زا بهره جسته‌اند. گستره روایات معصومان(ع) در این زمینه با صورت‌بندی توصیفی و توصیه‌ایی در قالب مجموعه‌های ارزشی که افزون بر انسجام روایی، از چنان وسعتی برخوردار است که ضرورت کاربستی آن را در زیست مؤمنانه را در فرآیند تاریخ را ایجاد نمود. رهیافت‌ها درباره تأثیر روایات تقیه‌ای در متون روایی در میان دانشوران ناهمسان است. برخی میزان تأثیرگذاری را زیاد دانسته[1](نکـ : بحرانی، ۸/۱؛ صدر، ۲۸/۷) برخی با پذیرش تقیه تأتیر آن را چندان ندانسته‌اند. (نکـ : انصاری، فوائد الاصول، ۱۳۰/۴)

جستار حاضر افزون با پردازش چیستی تقیه در پی پاسخ به این پرسش است:

الف- چرا پیامبران الهی در روند رسالت و پیام‌رسانی دینی تقیه نمی‌کردند؟

ب- چرا امامان(ع) از تقیه استفاده نموده و در این راستا احکامی را بیان فرمودند؟

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی روایات تقیه‌ای را در ترازوی تئوری عقلانیت و اخلاق فایده‌انگاری قرار داده و با در نظر گرفتن نوع زیست مخاطبین معصومان(ع)، سبب صدور روایات تقیه‌ای را بررسی کرده است.

۲- پیشینه تقیه

انگاره تقیه در فرآیند پیوستار زمانی در همکنشی با فرهنگ‌های ناهمسان در دگرگونی معنایی و با دگردیسی و بازآفرینی در صورتها با کارکردهای مختلفی روبه رو بوده است. پژوهش‌ها در پیوند با تقیه از جهت فراوانی با زوایای دید[2] متعدد است.[3]

---

۱. فان جل الاختلاف الواقع فی اخبارنا بل کله عند التأمل والتحقیق إنما نشأ من التقیة. بیشتراختلاف در روایات ما اگر بادقت نگریسته شود دقیق و با تامل نگریسته شود ناشی از تقیه است.

2. Perspectivisma

۳. کتاب "التقیه، مفهومها، حدها، دلیلها، از سبحانی (۱۳۸۱ش) و نوشته "مفهوم التقیة فی الفکر الاسلامی" از←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

۳- معناشناسی تقیه

با دریافت دوگونه معناشناسی؛ نظام معنای زبانی که در پیوند با دلالت‌های مفهومی است و دیگری همبسته با تجربیات جهان خارج که به آن دلالت‌های مصداقی گفته می‌شود، (صفوی، ۶۲) می‌توان با شیوه معناشناختی عینی به مفاهیم انتزاعی واژه دست یافت. واژه‌شناسان اسلامی با بهره‌گیری از روایت معصومان(ع) در آشکارسازی مصادیق و تطبیق واژه تقیه در برخی موارد، به شناسایی معنای آن پرداختند. این رهیافت در فهم واژه تقیه با تکیه روایی افزون بر تطبیق آن در برخی مصادیق که برای فهم درست تقیه می‌باشد گستره و شمول آن را بیان نمی‌دارد. (نکـ : جوادی آملی، ۱۶۸/۱) براین اساس واژه تقیه در معنای پایه «پرهیز و ترس» و «نگهداشت چیزی در برابر آسیب و زیان»[1] است. (نکـ : راغب اصفهانی، ۸۸۱، ابن منظور، ۱۳/ ۵۵۷، تهانوی، ۱۵۲۷/۲) گستره این معنای آغازین آن با دگرگونی در بند واژگان جان و مال و آبرو (نکـ : ابن‌منظور، همان، ابن‌فارس، ۱۳۱/۶، جوهری، ۲۵۲۸، خلیل بن احمد، ۲۳۸/۵) نمایی از دلالت‌های مصداقی آن می‌باشد. پنداره تقیه در معناشناختی در زمانی براساس چشم انداز باوری ناهمسان در فرآیندهای عقلانی با نظام ارزشی ناهمگونی قرار گرفته است.

٤- انگاره تقیه در روایت‌گری قرآن‌کریم

تقیه به عنوان واکنش طبیعی آدمی در برابر کنشگری عناصر تهدیدگر در فرآیند زیستی

← هاشم موسوی (۱۳۸۴ش) به مفهوم شناسی تقیه در اندیشه ایمانی مسلمانان و بیان میزان آن پرداختند. کتاب "واقع التقیه عند المذاهب و الفرق الاسلامیة من غیر الشیعة الامامیه" از عمیدی (۱۴۱۶ق) به رهیافت‌های ناهمسان گرایش‌های مذهبی اسلامی در رویارویی با پدیده روایی تقیه پرداخت. در این میان کتاب "نقش تقیه در استنباط" از صفری (۱۳۸۱ش) با انگاره فقهی و نوشتار "نظرات فی التقیة" از بیاتی (۱۴۳۱ق) که به بیان دیدگاه درباره تقیه از اهمیت بهره دارد. مقاله «بررسی احادیث تقیه از دیدگاه مجلسی اول» از مهدوی‌راد و دیگران (۱۳۸۸ش) تقیه را افزون بر آیات و روایات از طریق قاعده حفظ حرمت مسلمان بررسی نموده و به عناصر اضطرار و مقتضیات خوانشگران مورد تأکید است. باتوجه به بیشینه پژوهش درباره انگاره تقیه، پژوهشی با زوایه دید عقلانیت و اخلاق فایده‌انگاری با لحاظ زیست میانمایگی صورت نگرفته است.

۳. حفظ الشیء ممّا یؤذیه و یضرّه.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

آدمی دارای پیشینه قرآنی است. این مفهوم در نظام اندیشگی قرآن کریم با خوانش رحمت و تفضل الهی بر مؤمنان (نکـ : حر عاملی، ۸۱/۱) بنابر موقعیت‌های متفاوت و پرسش‌های افراد روایت شده است. آیه «**مَنْ كَفَرَ بِاللهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلاَّ مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالكُفْرِ صَدْراً فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ**. هر کس پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود [به عذاب خدا گرفتار آید] مگر کسی که به کفر مجبور شده [امّا] دلش مطمئن به ایمان است، ولی آنان که سینه برای پذیرفتن کفر گشاده‌اند، خشمی سخت از سوی خدا بر آنان است و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود.» (النحل، ۱۰۶) روایتگری آیه به شیوه راهبردی عمار یاسر در برابر تلاش ناکامانه مشرکان برای برگرداندن وی از دین را گزارش می‌دهد. (نکـ : طبری، ۲۳۷/۱۴) براین اساس اکراه و اجبار دشمن کافر و پایداری مؤمنان برای نگهداشت دین و جان از عوامل تقیه یاد شده است. آیه «**لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ**. مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند و بازگشت [همه] به سوی خداست.» (آل‌عمران، ۲۸) این آیات تقابل دوگانه ایمان و کفر و راهبرد برون رفت مؤمنان در برابر کارکرد ستمکارانه کفر تقیه دانسته است. گمانه‌زنی مفسران با استناد به این آیه در شیوه رواداری (مدارایی) زیستی و همکنشی با غیر مؤمنان و حد آن ناهمسان است و گستره تقیه در جهت پوشاندن باور و تحت ولایت کافر رفتن از آن برداشت شده است. برخی تقیه زبانی در اظهار دوستی و نهان‌سازی دشمنی (نکـ : طبری، ۳۰۹/۳–۳۱۱؛ کلینی، ۴۲۴/۷) یا شرک‌گویی (نکـ : سرخسی، ۴۵/۲۴) دوستی و معاشرت ظاهری (نکـ : زمخشری، ۴۲۲/۱) برای نگهداشت جان و گستره آن در مال (نکـ : فخررازی، ۱۳/۸–۱۴) و آبرو (نکـ : آلوسی، ۱۲۱/۳) در حکومت کفر را روا و در پنداری با استناد به آن طلاق اجباری از باب تقیه رد شد. (نکـ : مالک، ۲۹/۳)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

آیه «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می‌داشت گفت آیا مردی را می کشید که می‌گوید پروردگار من خداست و مسلما برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید چرا که خدا کسی را که افراطکار دروغ‌زن باشد هدایت نمی‌کند.» (الغافر، ۲۸) آیه در بیان تقیه کتمان و تقیه‌گری مؤمن آل فرعون در راستای امر به معروف و نهی از منکر است. بر این اساس حکومت ظلم و در شرایطی که اظهار عقیده حق موجب قتل یا شکنجه یا تحمل امور طاقت‌فرسا می‌شود نباید اموری را که مصداق «اذاعه» و انتشار می‌باشد را انجام داد. (نکـ : مجلسی، ۳۹۷/۷۲) آیه «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ. و چون خبری [حاکی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند.» (النساء، ۸۳)

این انگاره در روایتگری قرآن به پیشا اسلام و به عنوان سنت ابراهیم(ع) مطرح شده است. رویارویی وی با پرستندگان پدیده‌های طبیعی (الانعام، ۷۶-۷۹) و بیان «فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ. و گفت من کسالت دارم.» (الصافات، ۸۹) و ارائه گزاره «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا. گفت [نه] بلکه آن را این بزرگترشان کرده است.» (الانبیاء، ۶۲) در مقابل بت پرستان گونه‌ای از تقیه قابل دریافت است. این آیه در گمانه خوانشگران و مفسران با روی آوری به روایات از مصادیق تقیه توریه دانسته شده است. این مفهوم در رهیافت مفسران، عبات از معنایی که از لفظی اراده می‌شود کند مطابق واقع است اما این لفظ به صورتی باشد که مخاطب و شنونده را به معنای غیر مراد متکلم منتقل کند. (نکـ : خویی، ۳۹۵/۱؛ طریحی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

۴۳۶/۱) در این خوانش گزارهٔ «إِنِّی سَقِیمٌ» واژهٔ سقیم معنای «من طالب دین خود هستم» اراده شده که مراد متکلم است اما از سوی خوانشگران معنای غیر آن برداشت شده است.[۱] (نکـ : خویی، ۴۰۲) روایتگری قرآن کریم از منش و رفتار اصحاب کهف در روی آوری به نظام قدرت (نکـ : مجلسی، ۴۲۹/۷۵)، شیوه اندیشگی یوسف(ع) برای برادر خود و تلاشش که وی را در نزد خود نگه دارد «**فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِی بِهِ فَلَا کَیْلَ لَکُمْ عِنْدِی وَلَا تَقْرَبُونِ**. پس اگر او را نزد من نیاوردید برای شما نزد من پیمانه‌ای نیست و به من نزدیک نشوید.» (یوسف، ۷۰) و روش سخن گفتن موسی(ع) با فرعون «**اذْهَبَا إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشَی**. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گویید شاید که پند پذیرد یا بترسد.» (طه، ۴۳-۴۴) و پنهان نمودن بخشی از حقایق به عنوان تقیه دانسته می‌شود. چنین فرآیندی از گفتمان تقیه در قرآن کریم به نظر می‌رسد که تقیه از احکام امضایی اسلام در روند سنت زیسته عقلاء است.

۵- تقیه در چشم انداز باوری دانشوران

تقیه در انگاره دینی، راهکاری برپایه تصورآدمی از آگاهی خود در حقیقت پنداری نظام باوریش می باشد که برای نگهداشت آن در برابر هراس مرگ آور از تهدیدها و رویدادهای دشوار، شیوه دگرزیستی، دگراندیشگی و دگرباوری رویه‌ای را در زیست فردی و اجتماعی برگزیند. گزینش زیستی به تناسب زمان و مکان و همسو با نظام سیاسی، فرهنگی اجتماعی به دلیل شرایط دشوار و نااستوار ناشی از یورش لجام گسیخته نظام قدرت، باورمندانی را که سودای حق پنداری دارند (داشته‌های دینی خود را حق می‌انگارند) را وامی‌دارد که برای رهایی از آن تنگنا دگربودگی و دگراندیشی خودخواسته‌ای را بجویند. عقلانیت در رویارویی با این روند دشوار شیوه زیستی همگون و همسو با نظام قدرت در ساحات گفتاری و رفتاری، را پیشنهاد می‌کند که مؤمنان خود را از

۱. در روایات، روایت‌گری قرآن کریم از مؤمن آل فرعون به توریه خوانش شده است. (نکـ : مجلسی، ۱۳-۶۲/۱؛ ۱۱/۶۸-۱۲؛ ۷۲/ ۳۹۶-۴۰۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

گزند بداندیشی نهاد قدرت و سایر نهادهای اجتماعی برساخته برهاند. بر پایه این تئوری نوعی انعطاف پذیری راهبردی با زاویه دید دینی، انسان مؤمن مجاز خواهد بود در برابر سرشت شراخلاقی که مستقیما در نتیجه عمل ناپسند انسانی به وجود می‌آید بسان قتل، دزدی و تجاوز (خودشیفتگی و جزم‌اندیشی نظام قدرت) با فرآورده درد و رنج تدبیری مصلحت‌اندیشانه برای رهایی از آن را پیش بگیرد.

دانشوران دینی براساس دریافت خود از تقیه درروایتگری قرآن و روایات خوانش‌های ناهمسانی (متفاوتی) را به نمایش گذاشتند. برخی مفهوم تقیه را با هدف نگهداشت دین، (نکـ : مجلسی، ۴۱۵/۷۲) شیوهٔ پنهان سازی باور به حق موجه دانسته و آن را برای محافظت دین حقیقی از آسیب‌های دینی و دنیایی لازم دانسته‌اند (نکـ : مفید، ۱۳۷) روش‌های نگهداشت باور واقعی در این گفتمان نهانی و قلبی بوده و آشکارگی نظام باوری همسو با شرایط در ساحات گفتاری و رفتاری راهکاری برای رهایی از آسیب‌ها است. در پنداری به عنوان راهبرد عقلی و شرعی در برابر ستمکاران در شرایط ویژه برای برون‌رفت از تنگناها خوانش شد.[۱] (نکـ : قمی، ۶۸۰/۲؛ قاسمی، ۳۰۶/۲) در گمانه‌ای این عنصر قانونی دانسته شد که عقل آن را پذیرفته و واجب شمرده و در سیاست بی‌آن‌که نام آن را تقیه بگذارند آن را پذیرفته‌اند. (نکـ : مطهری، ۲۴۲/۲) در این انگاره دانشورانی آن را به معنای نگهداری آدمی از آسیب رسانی دیگران با ابراز موافقت با آنان در گفتار و یا در رفتار مخالف حق[۲] (نکـ : انصاری، فوائدالاصول، ۳۲۰؛ خویی، ۴۵۳/۱) و نهان‌سازی مسائل درونی بسان باورها برای دیگری (نکـ : عمیدی به نقل از ابن حجر، ۲۲) و پوشاندن حق در برابر ناهمسویان به منظور پرهیز از آسیب دینی یا دنیایی خوانش نمودند.[۳] (نکـ : مفید، ۱۳۷) این خوانش با اغراض عقلانی در موجه‌سازی مؤلفه تقیه جهت پاسداری از تقیه کننده از درازدستی و تجاوز بیدادگران و رهایش از ناگواری‌هایی همانند حبس، تبعید

---

۱. التّقیة فریضة واجبة علینا فی دولة الظالمین

۲. التحفظ عن ضرر الظالم بموافقته فی فعل او قول مخالف الحق. (خویی، ۴۵۳/۱)

۳. التقیة، کتمان الحق و ستر الاعتقاد فیه و مکاتمة المخالفین و ترک مظاهرتهم بما یعقب ضرراً فی الدین او الدنیا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

و قتل، مصادره اموال و بی‌بهره‌گی از حقوق قانونی گفته شد. (نکـ : مفیـد، ۱۳۵-۱۳۷) در باور برخی تقیه در موارد خاص که آدمی مرگ یا تهدیـد آن را فـرا روی خـود ببینـد روا دانسته شد. در پنداری تقیه را اختیاری دانسته که می توان در برابر دشمنِ کافر سرسـختانه به عقیده خود پایبند بود هرچند به قیمت جان او تمام شود و یا می توانـد تقیّـه کنـد و بـا دشمن همگام گردد. در نظام باوری (اهل‌سـنّت)، تقیّـه تنهـا بـرای حفـظ جـان آدمـی در رویارویی مسلمانان با غیر مسلمان برای نگهداشت دین (نکـ : رشیدرضا، ۲۸۱/۳؛ تیجـانی به نقل از غزالی، ۱۸۵) جایز بوده، و در گمانه‌ای رهـایی انسـان از هـر گرفتـاری و ذلـت خوانش شد.[۱](نکـ : صنعانی، ۳۴۸) اما درگفتمانی تقیّه با گستره کارکردی بـرای جلـوگیری از هر مهلکه و زیانی چه از سوی کفار و یا غیرآن (پیروان مذاهب اسلامی) جـایز انگاشـته شد. (نکـ : فخررازی، ۱۲/۸) این تعریف در پندار برخی به دور از نظام بـاوری دینـی، بـه جایگاه اجتماعی و سیاسی نگریسته شده و برای نگهداری جـان مظلـوم تقیـه روا دانسـته شد[۲]. (نکـ : فخررازی به نقل از شافعی، ۱۳/۸) و در باوری با گمانـهٔ رواداری و مـدارایی تقیه به عنوان اندیشـهٔ راهبـردی بـرای رهـایی از عقوبـت بیـان شـد.[۳] (نکـ : سرخسـی، ۲۲۲/۲۷) براین اساس دگرگونی منش گفتاری و رفتاری مؤمنان همبسته به اصـالت قـرار گرفتن دین در پرتو تقیه است. (نکـ : شیخ مفید، ۲۴۶) در دیـدگاهی، تقیـه ابـزاری بـرای جلوگیری از ضرر بر دیگری به وسیله هماهنگ شدن با مخالف حق در ساحات گفتاری و رفتاری خوانش گردید. (انصاری، ۷۱، همان، ۱۱) بر این اسـاس افـراد تقیـه را بـه خـاطر هراس از ضرر و زیان احتمالی و دفع آن پذیرفته و اقدام به نهان‌سازی حقیقت مـی‌نماینـد. (نکـ : العلوی، ۲۶؛ مراغی، ۱۳۷/۳) چنین منشی احتیاطی واکنش آدمی در برابر خشـونت نهاد قدرت و چیرگی آن است. در این بازخوانش کاربست تقیه در عناصر پوشاندن حـق و

---

۱. قال قتاده أن النبی(ص) قال لاینبغی لمؤمن أن یذل نفسه، قال: و کیف یذل نفسه قال یتعرض من البلاء بما لایطیق.

۲. انّ الحالة بین المسلمین اذا شاکلت الحالة بین المسلمین و المشرکین حلّت التقیة محاماة علی النفس.

۳. والتقیة أن یقی نفسه من العقوبة بما یظهره، و ان کان یضمر خلافه، و قد کان بعض الناس یأبی ذلک، ویقول: انّـه مـن النفاق، و الصحیح انّ ذلک جائز.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

منش گفتاری و رفتاری خلاف باطن و از سوی دیگر شیوه راهبردی پیش گیرانه از آسیب‌های مادی و معنوی بازنمایی گشت. البته چگونگی و کیفیت کاربست تقیه در پیوست با تنوع آن (کتمان، توریه، هدنه و مدارایی) به طور فراگیر[1] در میان دانشوران اسلامی با رهیافت‌های ناهمسان فقیهانه، حدیثی، کلامی و تفسیری احکامی متفاوتی را ایجاد کرد. وجوب این مؤلفه در انگاره برخی وابسته به شرایط اضطرار (ترس از جان، آبروی خود و دیگران) می‌باشد. (نکـ : مفید، ۹۶، حرعاملی، ۲۱۴/۱۶، امام‌خمینی، ۲۴۲،۲۴۴/۲)

۶- انگیزه‌های نهان‌سازی مراد روایات تقیه‌ای معصومان(ع)

شیعه با بهره‌مندی از ساختار امامت این مفهوم را آگاهانه در ارزش‌های نهایی خود قرار داده و کنش‌ها را برای سازگاری با این ارزش نظام‌مند ساخته است. روایات صادره از معصومان(ع) ناشی از شرایط فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی فردی و اجتماعی روزگارشان بوده و تمامی روایات را با لحاظ مؤلفه‌های پیش گفته باید در نظر گرفت و از هرگونه کلی گویی در حوزه اخباریات و انشائیات پرهیز نمود. منش مؤمنانه در برابر شرایط اضطراب و ناآرامی سیاسی و اجتماعی از میان مجموعه راهکارها به مهارتی همبسته است که ساحات وجودیش را از آسیب‌های پیش آمده برهاند. انسان مؤمن با هدف ایجاد دنیای نوین دست به انتخابی آگاهانه و آزاد می‌زند که سهمی از احساس (روان‌شناختی) و عقل در روند تصمیم‌گیری را دارد. تقیه در الهیات شیعی پویش مؤمنانه در جستن راهکاری برای رهایی از اوضاع و احوال نامناسب زیستی که از احساس و عقل بهره دارد. احساس خطر ناشی از کنش گری نظام قدرت و پای‌بندی به نظام باوری ویژه و

---

۱. تقیه سیاسی شیوه راهبردی معصوم(ع) در هنگام رویارویی با پدیده قدرت‌های ناهمسو و رفتارهای ستمکارانه که امت شیعه را دچار درد و رنج‌های باوری می‌کردند را تقیه سیاسی نامند. تقیّه اجتماعی، به نوع تعامل با عامّه (اهل سنّت) معنادار می‌شود که به کیفیت‌های ناهمسان بسان رواداری در همکنشی و شرکت در اجتماعات آنان و نیز نهان نمودن باور یا آشکارسازی دیگر زیستی است. تقیّه فقیهانه، در موارد احکام فقهی است که معصوم(ع) به جهت تقیّه، حکمی را پنهان نموده و یا خلاف آن را اظهار نماید که به «تقیّه در حکم» نیز معروف است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

اقدامی با تکیه بر عقلانیت راهکاری مصلحت جویانه را گـزینش مـی‌کنـد. بـراین اسـاس دانشوران اسلامی در کارکرد و برآیند این پدیده گمانه‌هایی را بیان نمودند:

الف) نگهداشت و محافظت شیعیان و اجتماع آنان از آسیب (نکـ : حرعـاملی، ۳۱۱/۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۷۱/۱) و حفظ جایگاه دانشی امامان(ع) نزد اهل سنت از کـارکرد نهان سازی مراد معصومان(ع) در روایت‌گری و رویارویی با سؤال‌های گونـه‌گـون دانسـته شد. در این راستا گاه ائمه (ع) با حضور در میان اهل سنت و یا در برابر سؤال اهل سـنت، پاسخی که با مذهب آنان همپوشانی داشت، ارائه می‌نمودند. (نکـ : کلینی، ۳۲۱/۷)

ب) رعایت شرایط ویژه زمانه و شیوه پیش‌گیرانه از تنش سیاسی و حکـومتی، بسـتری در نهان داشت مراد واقعی احکام در روایت‌گری معصومان(ع) در مسائل ناهمسـان فقهـی، اجتماعی، کلامی، تفسیری و سیاسـی از سـوی برخـی پـی جـویی شـد. (نکـ : طوسـی، الاستبصار، ۳۲/۹؛ حر عاملی، ۲۲۲/۱۶)

ج) در پندار برخی برای پرهیز از نسبت دهی معصومان(ع) به غالیان و کجروان و نظـام اندیشگی آنان، پنهان‌سازی مراد روایت از سوی معصومان(ع) گمانه‌زنی شد. با ایـن شـیوه گاه معصومان(ع) در جمعی قرار می‌گرفتند که شماری غلات آن‌جـا حضـور داشـتند و بـه واسطه حضور آنان حکم کتمان می‌شد. از جمله این افراد، مغیره‌بن‌سعید و ابوالخطاب بودند که بارها مورد لعن و انکار ائمه (ع) قرار گرفتند. (نکـ : کشی، ۴۹۱/۲)

۷- تقیه و شیوه زیستی خوانشگران

آدمیان در زندگی فردی و اجتماعی در نسبت به مؤلفه‌هـای دنیـاداری، ایمـان دینـی و اخلاق زیست‌های گوناگونی دارنـد. برخـی از آنـان در زیسـت خـود تنهـا بـه دنیـاداری می‌اندیشند و به ایمان دینی و اخلاق اهمیت نمی‌دهند که در این جستار به آنـان کـم مایـه گفته می‌شود. برخی زیست آنان بر پایه ایمان دینی و اخلاق استوار است و ویژگی ایمـانی و اخلاقی سراسر وجود آن را فراگرفته، و زیست آنان گرانمایگی است. اما بیشـتر آدمیـان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

در میان این دو زیست می‌باشند و در رویارویی با مشکلات فردی و اجتماعی، میان دنیاداری و ایمان دینی و اخلاقی گزینش های گوناگونی دارند و پیوسته درآمد و شد میان عناصر یادگشته می‌باشند که در این نوشتار به میانمایگان خوانش شده‌اند. در این میان برخی با زیست میان‌مایگی[۱] و بی‌توجه به زیست‌گران مایگان و گوهری که آنان (معصومان(ع)) در نسبت به مفهوم تقیه با نگره شرایط زیسته و احوال افراد سرشته‌اند، آن را از زمینه‌های[۲] وجودیش خارج ساخته و بودگی آن را بستری برای بی‌صداقتی وناراستی در جهان اسلام گمانه زدند. (نکـ : ابن تیمیه، ۹۲/۲، ۴۲۱/۶، ۱۵۱/۷؛ طوفی، ۱۲۶؛ ذهبی، ۶۸؛ القفاری، ۸۱۹) آنان با نادیده انگاری نوع زیست‌ها و فضای گفتمانی صدور روایت‌ها، تنها با خوانش مفهوم تقیه در ناهمسانی بودگی و نمودگی آدمی نتیجه بی‌صداقتی و ریا را در آدمیان در حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را رایزنی کردند. (نکـ : ملکیان، تأثیرات اجتماعی فهم نادرست از دین، ۱۵) چنین گمانه‌ای (نفاق)[۳] از مفهوم تقیه در اندیشه برخی برآمده از نادیده‌انگاری مؤلفه‌های فهمی بسان، فضای گفتمانی صدور روایت که با دگردیسی و بازتولید آن در جهان امروز بدون در نظرگرفتن چگونگی صدور آن را از معنای پایه‌ای خارج ساخته است، افزون بر آن شیوه برخورد معصومان (ع) با کنشگران از جهت سطوح فهمی و ناهمسانی خوانشیان امروزین به دلیل بودگی در جهان‌های متفاوت و قرار گرفتگی در ساحت‌های زیستی گونه گون، مؤلفه‌های دیگر در این نادیده‌انگاری است. دریافت نظام معنایی تقیه برای خوانشگران و فهم آن به دلیل دو جهان بودگی آن از جهت ساختاری ویژه آن دشوار می‌نماید؛ شاید یک راه برای فهم آن هم‌افقی و هم‌آمیزی با آن

---

۱. Mediocrity /Médiocrité این دو واژه که به قیاس «کم مایه» در برابر «پرمایه» و همچنین صورت اسمی آنها یعنی «کم‌مایگی» و «پرمایگی»، ساخته شده از ترکیب ناهموار و زمخت «متوسط الاحوال» است. در میان بودگی رهایش ساحت تفرد خود و هم آمیزی زیست‌های ناهمسان است.

2. context

۳. نفاق با سامانه‌ای از ویژگی‌ها و منش آدمی در روند زیست اجتماعی بسان ناهمسویی علم و عمل، ظاهر و باطن، گفتار و رفتار با اهداف گسست، تنش و انحراف در جامعه دینی در قرآن‌کریم به طور ویژه در سوره منافقون و در نهج‌البلاغه خطبه ۱۸۵ آمده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

نظام معنایی باشد. برای فهم آموزه دینی تقیه و ساختار وجودی آن نیاز به معرفت شناختی، قواعد و جایگاه این مفهوم در سنت دین است تا دریافت درستی از آن ایجاد شود تا از هرمنوتیک سوءظن[۱] (دریافتی مبتنی بر توهمات) رهایی یابد. درک فهم تقیه از جهت هستی شناختی سازگاری آن با واقعیت عینی و واقعیات خوانشگران و نوع بینش آنان در رویارویی با نظام گفتمانی ویژه و نحوه زیسته آنان در آن الگوی زیستی است.

پیوند میان صدور روایت معصوم(ع) با فرهنگ و خوانشگران زمان صدور، پیوندی دوسویه است. زبان نشانه ای از وجود گونه‌گونی ارتباط‌ها و کارکردها در زندگی فردی و اجتماعی آدمیان است و ماهیت همبسته با روانشاختی فردی و اجتماعی انسان دارد. این گزاره نمایشگر ایده فلسفه علل بیان صدور روایت است.

با توجه به گستره روایت درباره تقیه به نظر می‌رسد معصومان(ع) با اشتراک گذاشتن آن به عنوان اخلاق هنجاری و تکلیف حداکثری در پی نهادینه ساختن آن در بین میان‌مایگان شیعه برای نگهداشت شیعه از کم‌مایگان و نهادهای در پیوند با قدرت و خشونت بوده است. شیوه روایت گری معصومان(ع) با بهره مندی از عقلانیت و اخلاق مصلحت‌اندیشانه در راستای ظرفیت و بینش خوانشگران و کنشگران برای نگهداشت دین و جان برای زیست میان‌مایگان است. در این معنا که برخی افراد با زیست کم‌مایه ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را برای جلب منافع خود فرو می‌نهند و گران مایگان منافع مادی را قربانی زیست اخلاقی می‌کنند. در واقع آنان سرشار از ایمان و در فوق عقل[۲] و اخلاق جای دارند. در این میان بیشتر افراد جامعه با میان مایگی زیست اخلاقی را با شرط

---

۱. هرمنوتیک سوءظن وجود هرگونه معنا و واقعیتی در پس متن را انکار می‌کند، نگرش بدبینانه‌ای نسبت به واقعیت دینی دارد و متن دینی را بر اساس ذهنیات مفسر تفسیر می‌کند و باور دینی را محصول توهم می‌داند.

۲. ایمان در این زیست از جایی آغاز می‌گردد که عقل پایان می‌پذیرد. (کرکگور، ۸۱) کگور زیست آدمی را در سه مرحله، زیبایی‌شناختی، اخلاقی، و دینی می‌داند و ادعا دارد که این سپهرها با هم جمع نمی‌گردند. مرحله زیباشناختی در پی لذت و منافع مادی است، در مرحله اخلاق قانون کلی حاکم است و افراد موظف به انجام آنند ولی خواست و امیال‌ها برآورده نمی‌شود (میان مایگی)، در مرحله دینی تنها خدا می‌تواند انسان اخلاقی را ورد زندگی دینی کند. (کرکگور، ۹۴؛ لی اندرسون، ۹۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

ملزومات ساختاری آن (لذت‌ها و منافع) ترجیح می‌دهند. اما اگر شرایط آماده نباشد نوع زیستشان سبب می‌گردد که نیازهای خود را بر ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی ترجیح دهند. کنش‌گرانی که در فراروی زیست میان‌مایگی هستند، دستخوش زوال اخلاقی ناشی از نوع زیست‌شان هستند، زیرا ساحات گفتار و رفتارشان بیشتر بر دلیل مصلحت‌اندیشانه استوار است. دریافت این نکته که این‌گونه زیستی طعم و رنگ ویژه خود را داراست و تابع ویژگی‌های اخلاقی ویژه بر پایه فایده‌گرایی می‌باشد و معصومان(ع) با بصیرت وحیانی از این گفتمان، شیوه اخلاقی به تناسب آن را پیشنهاد داده و در پی نهادینه ساختن آن بودند.

چنین زیستی همساز با اخلاق فایده‌انگاری، بر بیشینه خوشی و کمینه درد و رنج آدمی تأکید دارد. میان مایگان در این چارچوب نه زیست قدیسی دارند و نه از نگرانی اخلاقی خالی‌اند. نمی‌توان برای میان‌مایگان که بیشترین سهم را در هرم پراکندگی کنشگران اخلاقی دارند، چشم‌داشتی تکلیفی فراتر از توان آنان داشت. رواداری اخلاق در پندار اینان براساس آثار و نتایج فعل و کسب فایده از جهت خوشی و ناخوشی است. قدیسان و انسان‌های معنوی جامع انسانی را پر نکرده‌اند بلکه جامعه انسانی سرشار از آدمیانی است که زیست میان‌مایگی دارند. معصومان(ع) با بصیرت وحیانی این شرایط زیسته که بیشتر امت را فرامی‌گرفت به رسمیت شناخته و بنابر نوع زیست آنان مؤلفه تقیه را که همساز با صرافت طبع آنان بیان نمودند و در پی نهادینه ساختن آن برآمدند. از جهت عقلی نیز به نظر می‌رسد این مؤلفه بهتر می‌تواند تبیینی سازگار از نحوه زیستی امتی باشد که در درازنای تاریخ اسلام هماره در دشواری‌های ناهمسان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از سوی نظام‌های قدرت در تهدید، درد و رنج به سر می‌برد. این انگاره در روایت همساز با این شیوه گفتمانی از جانب معصومان(ع) قابل رایزنی است. در روایتی زراره از امام باقر(ع) پرسشی می‌کند و امام(ع) پاسخی متفاوت از پاسخ‌های دیگر مراجعین به او می‌دهد. امام(ع) در چگونگی ناهمسانی پاسخ‌ها می‌فرماید این شیوه رفتاری برای ما بهتر است و ما و شما را بیشتر باقی دارد. (نک: کلینی، ۶۵/۱) در ادامه ضرورت تقیه از جانب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

معصومان(ع) برای چنین زیستی تأکید می‌شود: «از ما نیست کسی‌که در مقابل افرادی که از او در امان است تقیه نکند وتقیه را مانند لباس زیرین و رویین خود (کنایه از ظاهر و باطن) قرار ندهد.» (نکـ : حرّ عاملی، ۲۱۲/۱۶) اهتمام‌ورزی به این مؤلفه در روایات از ضروریات دین انگاشته شده است. از امام صادق(ع) آمده است که می‌فرماید: «لا دین لمن لا تقیة له» کسی که تقیه ندارد دین ندارد.[۱] (نکـ : مجلسی، ۳۹۴/۷۲ و ۴۱۱-۴۱۲؛ شیخ حرعاملی، ۲۱۲/۱۶-۲۱۰) و نیز امام رضا(ع) می‌فرماید: «**لا دین لمن لا ورع له و لا ایمان لمن لا تقیة له ان اکرمکم عندالله - عز و جّل- اعملکم بالتقیة قبل خروج قائمنا فمن ترکها قبل خروج قائمنا فلیس منّا**. کسی که تقوا ندارد، دین ندارد و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا پرهیزکارترین شما نزد خداوند با عمل‌ترین شما به تقیه قبل از قیام قائم ماست و کسی که تقیه را قبل از ظهور قائم ما [امام زمان(عج)] ترک کند، از ما نیست». (نکـ : مجلسی، ۴۱۴/۷۲) در روایتی دیگر از امام صادق(ع) که می‌فرماید: «پروا داشته باشید از عملی که ما را به سبب آن سرزنش کنند؛ چون پدر، به سبب رفتار بد فرزندش سرزنش می‌شود، نسبت به کسانی‌که از آنان جدا شده‌اید (یعنی پیشوایان معصوم) زیور باشید و مایه زشتی بر ما نباشید، در قبایل آنها نماز بخوانید، مریضان آنها را عیادت کنید و در تشییع جنازهٔ آنها حاضر شوید، مبادا شما را به کار خیری سبقت بگیرند، شما به کار خیر از آنها سزاوارتر هستید، به خدا قسم پرستیده نشده است خداوند به چیزی بهتر از خبأ، گفتم: خبأ چیست؟ فرمودند: تقیه.» (نکـ : حرّعاملی، ۲۱۹/۱۶) امام صادق(ع) در مورد ماهیت تقیه چنین می‌فرماید: «التَّقِیَّةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ التَّقِیَّةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ. تقیه سپر فرد با ایمان و تقیه وسیله حفظ و نگهداری مؤمن است.» (نکـ : بروجردی، ۵۱۰/۱۴؛ العلوی، ۲۳-۲۷ و الرضوی، ۳۲-۳۵ و الداوری، ۶۱-۶۲) و رهاکردن تقیه همانند ترک نماز دانسته شد (نکـ : مجلسی، ۴۱۲/۷۲) و ارزش آن برای باورمندان در جامعه دینی همسان سر برای بدن تلقی گشته است. (نکـ : عاملی، ۴۷۳/۱۱ در کنار این روایات اجماع علمای

۱. این روایت در منابع اهل سنت از پیامبر(ص) نقل شده است. (سیوطی، ۲۸۱/۸؛ متقی هندی، ۹۶/۳).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

شیعه نیز تقیه را امر پذیرفته شده بر چنین زیستی تلقی می‌کند. (نکـ : الداوری، ص۶۵)

۸- زیست گرانمایگی (معصومانه) در آیینه قرآن

با آشکارسازی آیاتی درباره عدم تقیه گران‌مایگان، این تئـوری تقویـت مـی‌شـود کـه زیست اخلاقی معصومان(ع) و قدیسان گونه دیگر است و در واقع آنـان بـر فـوق اخـلاق جای گرفته‌اند. در ادامه به بخشی از ویژگی‌های زیست گران‌مایگـان در پرتـو قـرآن‌کـریم اشاره می‌شود. زاویه دید آنان به دنیا برخلاف دیگران است و پیوسته بر خدا توکل می‌کنند. «**فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**. و آنچه به شما داده شده برخورداری [و کالای] زنـدگی دنیاسـت و آنچـه پـیش خداست برای کسانی که گرویده‌اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر اسـت.» (الشوری، ۳۶) آنان با برخورداری از منش صـبر و یقـین بـه عنـوان پیشـوایان مـردم بـه هدایتگری اشتغال دارند. «**وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ**. و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.» (السجده، ۲۴) و «**وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّـةً يَهْـدُونَ بِأَمْرِنَـا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّـلَاةِ وَإِيتَـاءَ الزَّكَـاةِ وَكَـانُوا لَنَـا عَابِـدِينَ**. وآنـان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیـک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرسـتنده مـا بودنـد.» (الانبیـاء، ۷۳) اینان با شهودی ویژه از ملکوت آسمان و زمـین آگـاهی دارنـد. «**وَكَـذَلِكَ نُـرِي إِبْـرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ**. و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد.» (الانعام، ۷۴) و وجودشان برای جهانیـان رحمت می‌باشد، «**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ**. و تـو را جـز رحمتـی بـرای جهانیـان نفرستادیم.» (الانبیاء، ۱۰۷) و از علم و حکمت بهره‌مندند. «**آتَيْنَاهُ حُكْمًـا وَعِلْمًـا**» (الانبیـاء، ۷۴) آنان در زیست خودشان، استقامت «**إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَـزَّلُ عَلَـيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ**. در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

برآنان فرود می‌آیند.» (فصلت، ۳۰)، توکل و شکیبایی را درون‌مایه زیستی قرار دادند. «**وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ**، و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد و توکل‌کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند.» (ابراهیم، ۱۲) چنین زیستی فوق اخلاق (اخلاق دینی) آنان را از برگرفتن مؤلفه تقیه در رسالتشان بی‌نیاز ساخته است. آیاتی بسان «**الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ**. همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند پس از آن بترسید و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.» (آل‌عمران، ۱۷۳) و «**وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ**. و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم هود] گفت ای قوم من خدا را بپرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست شما فقط دروغ پردازید.» (هود، ۵۰) **قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ**. گفتند ای هود برای ما دلیل روشنی نیاوردی و ما برای سخن تو دست از خدایان خود برنمی‌داریم و تو را باور نداریم. [چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم. پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید.» (هود، ۵۳-۵۵) این آیات در پیوند با دوری هود(ع) از تقیه به هنگام رویارویی با بت‌پرستان و مقوله شهادت است. از کاربست همنشینی واژگانی تقیه و شهادت لزوم ادای شهادت برای خدا بیان شده است. و عدم تقیه در موضوع شهادت در آیه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا**. ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [درنتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (النساء، ۱۳۵) این اندک آیات یادگشته نمایی از پرهیز از تقیه از جانب قدیسان و معصومان(ع) دارد.

۹- نتایج مقاله

۹-۱. تقیه، با بهره‌مندی از عقلانیت و زیست مصلحت‌اندیشانه از پشتوانه متون دینی قرآن و سنت معصومان(ع) برخوردار است.

۹-۲. مؤلفه تقیه راهبردی عقلانی با تکیه بر وحی و منش معصومان(ع)، نوعی تجربه دیگربودگی و دیگرزیستی در ساحت زیست میان‌مایگی اخلاق را آشکار می‌سازد. این تجربه زیسته برای نگهداشت دین، جان، مال و آبرو در زندگی اجتماعی بنابر تهدید نهاد قدرت و عناصر همبسته با آن می‌باشد.

۹-۳. خوانش‌های از آموزه‌های دینی درباره این مؤلفه با رهیافت‌های ناهمسان، آن را به خوفیه، رواداری، کتمان و توریه دسته‌بندی نموده است.

۹-۴. رویکرد معصومانه به تقیه همیشه همراه با ملاکات و مشخصاتی بوده است و معصومان(ع) اصحاب خود را مطابق با آن ملاکها به تقیه فراخوانده‌اند. توجه به چگونگی خوانشگران در ساحات باوری، احساس و عواطف و خواسته‌ای، و دریافت واقعیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از جانب معصومان(ع) تعیین بخش شیوه کاربستی عنصر تقیه است. در روایت معصومان(ع) برای شکل ویژه از زیست آدمیان وابسته به نظام گفتمانی قابل بازشناسی است. تهی سازی تقیه از این شرایط آن را فهم‌ناپذیر می‌سازد. جداسازی و توصیف انواع زیست اخلاقی از جهت انسانی، بازخوانش و فهم واژهٔ تقیه را از جهت همزمانی میسور می‌سازد.

۹-۵. معصومان(ع) به جهت برخورداری از ایمان در ورای سپهر اخلاق جای گرفته و تقیه در روند فردی و اجتماعی زیست‌شان جایی ندارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۳. ابن ادریس حلی، ابوجعفر محمد بن منصور، سرائرالحاوری، قم، ۱۴۱۰ق.

۴. ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.

۵. ابن تیمیه الحرانی، احمدبن عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة، محقق د. محمد رشاد سالم، بی‌جا، مؤسسه قرطبة، ۱۴۰۶ق.

۶. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۷. انصاری، شیخ مرتضی، فرائدالاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.

۸. همو، المکاسب؛ رسالة فی الفقه، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

۹. همو، رساله فی التقیه، تحقیق فارس حسون، قم موسسه القائم آل محمد، ۱۴۱۲ق.

۱۰. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۳۰۰ق.

۱۱. بجنوردی، سید میرزا حسن موسوی، القواعد الفقهیه، تصحح: مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۰ق.

۱۲. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

۱۳. بروجردی، حسین طباطبایی، جامع احادیث الشیعه، قم، انتشارات مدینه العلم، ۱۳۸۰ش.

۱۴. بیاتی، جعفر، نظرات فی التقیه، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۳۱ق.

۱۵. تهانوی، محمد علی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، کلکته، ۱۹۶۷م.

۱۶. تیجانی سماوی، محمد، مع الصادقین، بیروت، دارالفجر، ۱۴۱۲ق.

۱۷. جرجانی، ابوالمحاسن، حسین ابن حسن (گازر)، جلاء الاذهان فی تفسیر القرآن، وزارت فرهنگ، ۱۳۴۱ش.

۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.

۱۹. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.

۲۰. خمینی، روح الله، الرسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

۲۱. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، قم، وجدانی، ۱۳۷۱ش.

۲۲. الداوری، المسلم، التقیه فی فقه اهل‌البیت(ع)، گردآورنده محمدعلی مسلم، قم، المطبعة بهمن، ۱۴۱۸ق.

۲۳. الذهبی، شمس الدین محمدبن احمد، المنتفی من منهاج الاعتدال فی نقض کلام اهل الرفض و الاعتزال، محقق محب الدین الخطیب، السعودیة، الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمیة و الإفتاء و الدعوة و الرشاد، ۱۴۱۳ق.

۲۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، قاهره، دارالکاتب العربی، بی تا.

۲۵. رشید رضا، محمّد، تفسیر المنار، قاهره، الهیئة المصریة العامة لکتاب، ۱۹۹۰م.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

۲۶. الرضوی، السید مرتضی، آراء العلماء المسلمین فی التقیة و الصحابة و صیانة القرآن الکریم، بیروت، الارشاد للصناعة و النشر، ۱۴۱۲ق.
۲۷. زرین‌کوب، عبدالحسین، جست‌وجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
۲۸. زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، قاهره، شرکة مکتبة و مطبعة البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۸۵ق.
۲۹. سبحانی تبریزی، جعفر، التقیه، مفهومها، حدها، دلیلها، قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱ش.
۳۰. سرخسی، محمّد بن احمد، المبسوط، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۹۳م.
۳۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۳۲. شهرستانی ابوالفتح، عبدالکریم ابن احمد، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۳۳. شهید اول، ابو عبداله محمد بن مکی عاملی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة، بیروت، الدار الإسلامیة، ۱۴۰۶ق.
۳۴. صدر، محمدباقر، بحوث فی العلم الاصول، سید محمود هاشمی، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۷ق.
۳۵. صفری نعمت الله، نقش تقیه در استنباط، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۳۶. صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ش.
۳۷. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۴ق.
۳۹. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۴۰. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۱. طهرانی، محمد محسن تهرانی (شیخ آقا بزرگ)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضوا، ۱۴۰۳ق.
۴۲. طوسی، محمدبن‌حسن، التبیان، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، قم، مکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۳. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. همو، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تصحیح محمد آخوندی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۴۵. همو، تهذیب الاحکام، تصحیح محمد آخوندی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۴۶. الطوفی، سلیمان بن عبد القوی، الاشارات الالهیهٔ الی المباحث الأصولیة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
۴۷. عاملی، مصطفی قصیر، التقیهٔ عند اهل البیت، لبنان، المعاونیهٔ التقاضیة للمجمع العالمی لأهل البیت، ۱۴۱۴ق.
۴۸. عطاردی قوچانی، عزیزالله، مسند الإمام الرضا (علیه السلام)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
۴۹. العلوی، السید عادل، التقیهٔ بین الاعلام، چاپ اول، قم، مؤسسهٔ الاسلامیة العامة للتبلیغ و الارشاد، ۱۴۱۵ق.
۵۰. عمیدی، ثامرهاشم حبیب، واقع التقیه عند المذاهب و الفرق الاسلامیة، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ق.
۵۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، موسسه العلمیه للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

۵۲. فاضل مقداد، جمال الدین عبدالله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، طهران، مکتب نوید اسلام، ۱۳۸۴ش.
۵۳. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۴. قرطبی، ابو عبدالله محمدبن احمد انصاری، جامع الاحکام القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۵۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۵۶. القفاری، ناصر الدین، اصول مذهب الشیعه الاثنی عشریه- عرض و نقد، قم، دارالنشر، ۱۴۱۴ق.
۵۷. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۵۸. کرکگور، سورن، ترس و لرز، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی،۱۳۷۸ش.
۵۹. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحح علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶۰. گلدزیهر، ایگناس، العقیده و الشریعه فی الاسلام، قاهره (بی‌نا) ، ۱۳۷۸ق.
۶۱. لی اندرسون، سوزان، فلسفه کرکگور، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵ش.
۶۲. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنزالعمال فی السنن اأقوال و الأفعال، محقق بکری حیانی و سفوة السقاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۶۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۶۴. مراغی، محمد مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۱۹۸۵م.
۶۵. مسعودی، علی بن حسین، مُروجُ الذّهَب و مَعادنُ الجَوهَر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۶۶. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ش.
۶۷. مفید، محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت، دارالمفید، ۱۴۰۴ق.
۶۸. همو، شرح عقائد الصدوق او تصحیح الاعتقاد (ضمیمه اوائل المقالات)، تصحیح و تعلیق عباسقلی واعظ چرندابی، تبریز، مکتب حقیقت، ۱۳۷۱ق.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۱ق.
۷۰. ملکیان، مصطفی، «تأثیرات اجتماعی فهم نادرست از دین»، بازتاب اندیشه، شماره ۲۹، ۱۳۸۱ش.
۷۱. همو، معنویت گوهر ادیان(۱)و(۲)، در سنت و سکولاریسم، تهران، صراط، ۱۳۸۸ش.
۷۲. موسوی، هاشم، مفهوم التقیة فی الفکر الاسلامی، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۳۷۲ش.
۷۳. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، قم، چاپ موسی شبیری زنجانی، ۱۴۰۷ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.8.4]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]